**وظائف و آداب اصحاب شور**

**حضرت بهاءالله:**

1 - " قد كتب الله على كلّ مدينة أن يجعلوا فيها بيت العدل ويجتمع فيه النّفوس على عدد البهآء وإن ازداد لا بأس ويرون كأنّهم يدخلون محضر الله العليّ الأعلى ويرون من لا يرى وينبغي لهم أن يكونوا أمنآء الرّحمن بين الإمكان ووكلآء الله لمن على الأرض كلّها ويشاوروا في مصالح العباد لوجه الله كما يشاورون في أمورهم ويختاروا ما هو المختار كذلك حكم ربّكم العزيز الغفّار  إيّاكم أن تدعوا ما هو المنصوص في اللّوح اتّقوا الله يا أولي الأنظار " (كتاب اقدس – بند 30)

2 - " بايد اين نفوس حين حضور چنان ملاحظه کنند که بين يدي اللّه حاضر ميشوند " (ص ١٣٠ پيام ملکوت)



**حضرت عبدالبهاء:**

1 - " اوّل فريضه اصحاب شور خلوص نيّت و نورانيّت حقيقت و انقطاع از ماسوی اللّه و انجذاب بنفحات اللّه و خضوع و خشوع بين احبّا و صبر و تحمل بر بلا و بندگی عتبه ساميه الهيّه است و چون باين صفات موفّق و مؤيّد گردند نصرت ملکوت غيب الهی احاطه نمايد " (ص ١٥ اصول نظم اداری بهائی)

2 - " اوّل شرط محبت و الفت تامّ بين اعضاء آن انجمن است که از بيگانگی بيزار گردند و يگانگی حضرت پرورگار آشکار کنند زيرا امواج يک بحرند و قطرات يک نهر. نجوم يک افقند و اشعّه يک شمس. درختان يک بوستانند و گلهای يک گلستان و اگر وحدت حال و يگانگی بی ملال در ميان نيايد آن جمع پريشان گردد و آن انجمن بی سر و سامان . و شرط ثانی آنست که رئيسی بجهت آن محفل ، اعضای انجمن بالاتّحاد انتخاب کنند و دستور العمل و نظامی بجهت اجتماع و مذاکره قرار دهند و آن دستورالعمل و نظام در تحت اداره و محافظه و حمايت رئيس باشد و تنفيذ نمايد و اعضاء محفل بايد در نهايت اطاعت و انقياد باشند. مکالمه حشو و زوائد در آن محفل نگردد و اعضاء د رحين ورود توجه بملکوت اعلی کنند و طلب تأييد از افق ابهی و در نهايت خلوص و وقار و سکون و آداب در انجمن قرار يابند و بنهايت ادب و ملايمت کلام و اهميّت خطاب به بيان آراء پردازند. در هر مساله ای تحرّی حقيقت کنند نه اصرار در رأی زيرا اصرار وعناد در رأی منجر بمنازعه و مخاصمه گردد و حقيقت مستور ماند . ولی اعضای محترمه بايد بنهايت آزادگی بيان رأی خويش نمايند و ابدا جائز نه که نفسی تزييف رأی ديگری نمايد بلکه بکمال ملايمت بيان حقيقت کند و چون اختلاف آراء حاصل شود رجوع باکثريّت آراء کنند و کلّ اکثريّت را مطيع و منقاد گردند و ديگر جائز نه که نفسی از اعضاء محترمه بر قرار اخير چه د رخارج وچه در داخل اعتراض نمايد و يا نکته گيرد ولو مخالف صواب باشد زيرا اين نکته گيری سبب شود که هيچ قراری استقرار نيابد باری هر کاری که به الفت و محبت و خلوص نيّت فيصل شود نتيجه اش انوار است و اگر ادنی اغبراری حاصل شود نتيجه اش ظلمات فوق ظلمات است . تصادم افکار و مقاومت آراء در انجمن شوراء سبب ظهور شعاع حقيقت است نبايد هيچيک از اعضاء متکدّر از مقاومت ديگری شود بلکه هر يک قول ديگری را با وجود مخالف بودن با رأی خويش در کمال ادب بخلوص نيّت گوش دهد و غباری در قلبش ننشيند. چون چنين گردد آن انجمن ، انجمن الهی است والّا سبب برودت و کدورت عالم شيطانی . وهمچنين آن محفل رحمانی بايد قطعيّا بامور سياسی که راجع بحکومت محلی است تعرّض ننمايد حتّی از امور سياسی دم نزند . مذاکرات بتمامها محصور در امور روحانيّه باشد که تعلّق باداره تربيت نفوس و تعليم اطفال و اغاثه فقراء و اعانه ضعفاء جميع فرق عالم و مهربانی بکلّ امم و نشر نفحات اللّه و تقديس کلمة‌اللّه دارد. در اين خصوص و اجراء اين شروط چون همّت نمايند تأييد روح القدس رسد و آن مجمع مرکز سنوحات رحمانيّه گردد و جنود توفيق هجوم کند و هر روز فتوحی جديد حاصل شود ".

(ص ٨- ٥٠٦ ج ٣ مکاتيب حضرت عبدالبهاء)

3 - " بايد بنوعی مذاکره و مشاوره گردد که اسباب اختلافی فراهم نيايد و آن اينست که حين عقد مجلس هر يک بيکمال حرّيّت رای خويش را بيان و کشف برهان نمايد اگر ديگری مقاومت ميکند ابدا او مکدّر نشود زيرا تا بحث در مسائل نگردد رای موافق معلوم نشود و بارقه حقيقت شعاع ساطع از تصادم افکار است . در نهايت مذاکره اگر اتّفاق آراء حاصل گردد فنعم المراد و اگر معاذ اللّه اختلاف حاصل شود باکثريّت آراء قرار دهند ... و ديگر آنکه مذاکره در محفل شور را کسی نبايد نقل کند "

(ص ٤- ٦٣ خصائل اهل بهاءو فرائض اصحاب شور)

4 - " اول وظيفه اعضاء الفت و اتّحاد آنهاست که سبب حصول نتائج حسنه گردد اگر اتّحاد نباشد يا معاذ اللّه سبب اختلاف شود البته نبودن آن بهتراست . اگر محفل شور يا مجلس عمومی سبب کدورت گردد بايد متروک ماند... ثانی وظيفه شان تلاوت آيات و مناجات و حالت تذکّر وتنبّه است چنانکه خود را بين يدی اللّه مشاهده نمايند. ثالث فکر و مذاکره در تبليغ امراللّه بجميع اطراف و اکناف است و بتمام قوی بايد قيام بر اين امر عظيم نمايند و تعيين و ترويج لوازم تبليغ امر اللّه کنند . رابع در فکر و ذکر رعايت فقرا و ضعفا و حمايت مرضا باشند. خامس اصلاح و تدبير امور احبّا و مسائل اخری "

(ص ٣٤٩ ج ١ بدائع الآثار)



**حضرت ولی امر الله:**

1 - " عموم ياران چه در داخل وچه در خارج محفل بايد محفل روحانی را نماينده خود شمرند و تقويت نمايند و ترويج اجرائاتش را کنند و همچنين اعضای محفل روحانی بايد خود را خادم مصالح عموم احبّاء دانند و مرجع مصالح روحانيّه ياران شمرند "

(ص ٥١ منتخبات توقيعات مبارک)

2 - " احبّا بايد اعتماد و ثقه تامّ باعضای محفل روحانی خويش داشته باشند و بتعاون و تعاضد قيام کنند و همچنين اعضای محفل شور بايد بمصالح امريّه عموميّه ناظر باشند. ترويج مقاصد شخصی ننمايند و ناظر بافکار و اميال و مصالح خويش نگردند " (ص ٦٠ منتخبات توقيعات مبارک)

3 - " بايد خود را خادم امين حقيقی احبّاء اللّه شمرند و نظر را متوجّه و حصر در منافع عموم و مصالح امر اللّه نمايند نه ناظر باشخاص و متمسّک بمقاصد و مآرب شخصيّه گردند " (ص ٥٠ منتخبات توقيعات مبارک)

4 - " از جهتی حفظ و صيانت امراللّه را در امور جزئی و کلّی مراعات تامّ نمايند و از جهتی ديگر اسباب عناد اهل بغضاء نشوند و بر خصومت و عداوت آنان نيفزايند. در مواقع مخصوصه چشم از عيوب اهل فتور بپوشند و بالعکس معامله نمايند و راه مسامحه پيش گيرند ولی بيدار و هشيار باشند تا در دام اهل خدعه و تزوير گرفتار نشوند و فريب مغرضين نخورند ".

(ص ٥-١٤ منتخبات از توقيعات مبارک)

5 - " و همچنين اعضای محافل روحانيّه محلّی و مرکزی بايد از مآرب و منافع و مصالح شخصيّه فرديّه خود بيزار و در کنار باشند و نظر را حصر در ترويج مصالح جمهور و فوائد عموميّه و پيشرفت جامعه بهائی نمايند . در امور مفروضه موکوله تفحّص و تعمّق نمايند و بعدل و انصاف حکم فرمايند . در امور مرجوعه در کمال صراحت و صداقت و جديت مشورت تامّ نمايند و در مذاکرات و مباحثات ،کلّ من دون استثناء مشارکت کنند و پس از مشورت کامل متمسّک به حکم اکثريّت گردند و تصميمی قطعی بنمايند و پس از تصميم من دون تأخير و ترديد در تنفيذ واجرای قرارهای خويش همّت بليغ مبذول دارند ".

(ص ٩٠ منتخبات توقيعات مبارک)

6 - " زنهار زنهار که طرفداری جاه طلبی و تعلّق بدنيا در اداره امور رسوخی نمايند زيرا بمرور زمان نورانيّت آئين مقدّس را ظلمانی و طهارت و تنزيهش را لکّه دار و اثرات عميقه اش را فلج و معلول خواهد ساخت ".

(ص ٤٣ ج ٦ مائده آسمانی ط ١٢٨ - ترجمه مصوّب)

7 - " اعضای اين محافل بايد بنوبه خود کاملااحساسات موافق و مخالف خود و مصالح و تمايلات شخصی خويش را کنار گذارده افکار خود را در اطراف اقداماتی که منجر به خير و سعادت جامعه بهائی و ترويج مصالح جمهور است حصر نمايند "٠ (ص ٥٨ نظامات بهائی - ترجمه مصوّب)

8 - " وظائف اعضای محفل امر کردن و تحکّم نبوده بلکه مشورت است و آنهم نه تنها مشورت بين خود بلکه بايد هرچه بيشتر ممکن شود با منتخبين خود نيز مشاوره نمايند و بايد صرفا خود را بمنزله وسائلی بدانند که برای معرّفی امراللّه بطور شايسته و مؤثّر انتخاب شده اند آنان نبايد هرگز چنين تصوّر نمايند که بمنزله زينت و زيور هيکل امر اللّه بوده و فطرتا از حيث استعداد و يا لياقت بر ديگران تفوّق داشته و يگانه مروّجين تعاليم و مبادی امراللّه ميباشند و بايد با کمال خضوع بوظائف خود قيام کرده با فکری روشن و از روی نهايت انصاف و وظيفه شناسی و با صراحت و سادگی و با تعلّق تامّ بمنافع و مصالح ياران و امر اللّه و عالم انسانيّت چنان همّتی نمايند که نه تنها مورد اطمينان و حمايت واقعی و احترام موکّلين خود واقع شوند بلکه بايد قدر شناسی و محبّت قلبی آنانرا نيز جلب کنند و بايد در جميع احيان از روح تفوّق و استکبار و روش استتار اجتناب نمايند و از رفتار تسلّط طلبی بيزار شوند و در مشاورات خود هر گونه تعصّبات و اميال شخصی را کنار گذارند و با کمال تدبّر و حکمت احبّا را محرم اسرار خود قرار داده طرح و نظريّه خود ر ا با آنها در ميان نهند و مشکلات و معضلات خود را در حضور آنها مطرح سازند و از آنها استشاره و مصلحت جوئی نمايند و چون موقع اخذ تصميم فرا رسد بايد از روی خلوص نيّت و حسن طويّت و کمال رغبت مشورت کرده و سپس بآستانی الهی توجّه و تبتّل نمايند و با صفای قلب و ايمان کامل و شهامت تامّ ابدای رأی نموده و مطيع نتيجه آراء اکثريت گردند زيرا بفرموده حضرت عبدالبهاء رای اکثريت ندای حقّ بوده و قابل احتجاج نيست و بايد همواره با کمال ميل و اشتياق بمورد اجراء گذاشته شود. اين رأی اکثريّت را بايد ياران قلبا قبول کنند و آنرا يگانه وسيله صيانت و پيشرفت امراللّه شمرند شوقی ربانی ". (ص ٤- ٥٣ نظامات بهائی - ترجمه مصوب)

9 - " بايد رأی خود را در هر امری و در هر جلسه ای در نهايت صداقت و روشنی و خيرخواهی و خضوع و خلوص ابداء و اظهار دارند و آنچه را بعد از مشورت کامل و مذاکره تامّ رأی اکثريّت بر آن قرار گرفت بدل و جان بدون ادنی کدورت و رنجش اجرا نمايند ولو آنکه رأی اکثريّت مخالف واقع و عاری از صواب باشد .چه اينست حکم صريح محکم الهی . چگونه تجاوز و انحراف از اين امر منصوص جائز " (ص ٨-٦٧ خصائل اهل بهاء و فرائض اصحاب شور)

10 - " کلّ چه در داخل و چه در خارج محفل بايد اطاعت و انقياد باعضای محفل نمايند و تصويب و تأييد اجرائاتش ر انمايند ولو رأی اکثريّت مخالف واقع و عاری از صواب باشد ". (ص ٦٠- ٥٩ منتخبات توقيعات مبارک)

11 - " فردی از افراد محفل هر قدر عظيم الشأن باشد و کامل و هرچه آگاه باشد و فاضل باز رأی فرد مصاب نبوده و نخواهد بود. آن فرد قانونا بايد مطيع اغليّيت باشد حتّی اگر از نه نفس چهار نفر بخواهند مخالفت اغليّيت نمايند و بر خلاف ميزان غلبه آراء عمل کنند اين منافی اساس امر اللّه است و مخالف قوانين متينه شريعة‌ اللّه .اگر چنين باشد هميشه در هرمحلّ و مجمعی نفوسی خود را اعلم و اعلی گويند و باوجود اقليّت مخالفت محفل نمايند و در اساس وحدت و اتّحاد خلل اندازند و امر و اصحاب امر را از نفوذ و غلبه باز دارند و بمثابه احزاب قبل تشکيل فرق مختلفه نمايند زيرا اگر در امم ماضيه اشخاص خود را اعلم و اجلّ نميدانستند عوام بيچاره مريد آنان نميشدند و مايه تفرقه نميگرديدند. پس هميشه نفوسی که خود را افضل از کلّ ميدانستند سبب اختلاف گشتند ولی الحمد للّه قلم اعلی اين استبداد رأی افراد علما و عقلا را از ميان بردند و قول افراد را ولو اعلم علما و افضل فضلا باشد ميزان نفرمودند و امور را بمراکز منصوصه و محافل مخصوصه راجع نمودند. حتّی هيچ محفلی را در امور کلّيّه عموميّه ممالک ، بالاطلاق مرکز قرار ندادند بل جميع محافل مقدّسه را در ظلّ يک بيت العدل و مرکز اعظم الهی خواندند تامرکز ،مرکز واحد باشد و جميع در ظلّ محور منصوص مخصوص حکم يک نفس يابند و از انشقاق و تفرقه محفوظ مانند "

(ص ٤- ٧٣ اصول نظم اداری)

12 - " اگر چنانچه پس از تشکيل محفل ملّی روحانی در انعقاد جلسات آن محفل و اجتماع اعضای تسعه آن و ايفای وظائف مقدّسه اش خلل و فتوری حاصل گردد البتّه انعکاس سوئی د رجامعه خواهد داشت وعلت وهن و تحقير امراللّه شود و اسباب هرج و مرج و تأخّر و تقهقر گردد " (ص ٩٥ منتخبات توقيعات مبارک)

13 - " بديهيست مادام که عضوی نتواند مرتّبادر جلسات محفل روحانی محلّی خويش حضور بهمرساند محال است بتواند وظائف مفروضه خود را ايفاء و مسؤوليّت های خويش را بعنوان نماينده جامعه انجام دهد عضويّت محفل روحانی محلّی حقيقة توأم با الزام و توانائی تماسّ نزديک با جريانات امريّه محلّيّه وحضور مرتّب در جلسات محفل است " (ص ٦٤ نظامات بهائی - ترجمه مصوّب)

14 - " راجع باستعفا دادن اعضای محفل از عضويّت پس از انتخاب فرمودند حقّ استعفا نداشته و ندارند و تشخيص و قبول عذر از خصائص محافل محلّيّه است هر نفسی اطاعت ننمايد از متمرّدين محسوب و از حقّ انتخاب و عضويّت محافل محروم "

(ص ٣٩٣ منتخبات توقيعات مبارک)

15 - " مقتضی ميدانم خاطر احبّا را بلزوم قبول بلاشرط هر نوع خدمت و وظيفه ای که نمايندگان يا محفل ملّی بآنان رجوع نمايند متذکّر سازم هر گونه امتناع از قبول خدمات مرجوعه را مذموم ميدانم شوقی ربانی " (ص ١٤ نظامات بهائی)

****